

اقدامات استقلال طلبانه کردستان عراق و رویکرد سیاست خارجی ایران و ترکیه

حسین پوراحمدی میبدی^{۱*}

صابر قیاسی^۲

چکیده

عراق از زمان موجودیت سیاسی خود به عنوان یک کشور از سال ۱۹۲۱ تا به امروز با مسئله خودمختاری کردها و حدود آن در شمال کشور درگیر بوده است. حکومت اقلیم کردستان در سال ۱۹۹۱ با اعلام منطقه ممنوعه پروازی توسط سازمان ملل شکل گرفت، اما با سقوط صدام در سال ۲۰۰۳ وارد مرحله نوینی گردید به گونه‌ای که توانست ضمن نفوذ در عراق و بهره‌گیری از تجربه ده ساله حکومت منطقه‌ای، در تدوین قانون اساسی نقشی فعال داشته باشد. این حکومت با قرار گرفتن در فعالیت‌های سیاسی و برنامه‌های عراق، پس از انتخابات ۲۰۰۵ به عنوان یک بازیگر ذره‌ای فعال ظاهر شد و از سال ۲۰۰۷ با از سرگیری اختلافات و تنش‌ها با دولت مرکزی، به دنبال استقلال از عراق بوده است. تلاش اقلیم کردستان برای استقلال از عراق، علاوه بر تأثیرگذاری بر امنیت ملی و ثبات سیاسی عراق، می‌تواند بر امنیت منطقه‌ای و داخلی کشورهای همجوار از جمله ایران و ترکیه، نیز تأثیرگذار باشد. که این امر سبب گردید، روابط ایران و ترکیه به ویژه پس از برگزاری رفراندوم استقلال اقلیم، به سمت ائتلاف‌سازی گذرا سوق پیدا نماید. اهمیت موضوع تا آنجاست که مجاورت جغرافیایی و میزان تعاملات سیاسی-اقتصادی و فرهنگی همسایگان و همچنین آسیب‌پذیری متقابل آنها باعث گردیده تا بتوان امنیت و ناامنی را در این منطقه به صورت انکارناپذیری با یکدیگر ارزیابی نمود. بر این اساس، پژوهش حاضر با بهره‌گیری از روش توصیفی-تحلیلی در صدد بررسی فرآیند استقلال‌طلبی اقلیم کردستان عراق و رویکرد ایران و ترکیه نسبت به آن خواهد بود.

واژگان کلیدی: ایران، ترکیه، کردستان عراق، ائتلاف‌سازی

۱. استاد گروه مطالعات منطقه ای و جهانی، دانشگاه شهید بهشتی

*ho_pourhamad@yahoo.com

۲. دانش آموخته کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل، دانشگاه شهید بهشتی

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۶/۳۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۴/۱

فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره دهم، شماره پیاپی سی و هفت، صص ۳۲-۷



فصلنامه

پژوهش‌های

روابط بین‌الملل،

دوره دهم، شماره

دوم، شماره پیاپی

سی و هفت

تابستان ۱۳۹۹

مقدمه

به لحاظ موقعیت جغرافیایی و تأثیرات ژئوپلیتیکی، منطقه کردستان عراق به عنوان هارتلند خاورمیانه و محل سکونت اقوام مختلفی است که از آن می‌توان به عنوان مووزائیکی از اقوام نام برد. این محل بیش از ۱۰۰ سال است که آرزوی کسب خودمختاری و استقلال را در سر می‌پروراند و کردها برای رسیدن به این ایده‌آل گام‌هایی برداشته‌اند. رویکرد دولت اقلیم کردستان همواره بر جدایی سیاسی و اقتصادی از دولت مرکزی در بغداد و تشکیل کشور مستقل کردستان متمرکز بوده است که سقوط صدام در سال ۲۰۰۳ روند این رویکرد را تسریع کرد. از طرفی اقلیم کردستان، بین چهار کشور قدرتمند خاورمیانه یعنی جمهوری اسلامی ایران، ترکیه، سوریه و عراق واقع شده است. اقدامات اقلیم کردستان در جهت استقلال سیاسی و اقتصادی از عراق، علاوه بر اینکه به شدت امنیت ملی و تمامیت ارضی عراق را با خطر مواجه کرده است می‌تواند بر امنیت منطقه‌ای و داخلی کشورهای مذکور با توجه به حضور اقلیت‌های کُرد در آن‌ها تاثیرگذار باشد. تشکیل یک حکومت خودگردان و مستقل با محوریت قومیت کُرد در فراسوی مرزهای جمهوری اسلامی ایران و ترکیه (دو کشور مورد توجه ما در پژوهش) بالقوه می‌تواند منجر به تهدیداتی علیه امنیت داخلی و منطقه‌ای این کشورها شود. حضور حجم قابل توجهی از جمعیت کُرد در حاشیه مرزهای ایران و جنوب ترکیه و نیز وجود علقه‌های قومی، مذهبی، زبانی و میان موجودیت‌های کُردی در سه کشور ایران، ترکیه و عراق و امکان تسری تمایلات جدای طلبانه و حرکات گریز از مرکز از کردستان عراق به نواحی کُردنشین دو کشور ایران و ترکیه (در میان مدت و بلند مدت) با توجه به استقرار اپوزیسیون‌های کُردی دو کشور در اقلیم کردستان و همچنین نفوذ قدرت‌های فرامنطقه‌ای همچون آمریکا و قدرت‌های منطقه‌ای نظیر اسرائیل و کشورهای حاشیه خلیج فارس به ویژه عربستان سعودی در اقلیم کردستان، از جمله مولفه‌های امنیتی مشترک دو کشور ایران و ترکیه در مورد استقلال طلبی اقلیم کردستان است. بر این اساس، پژوهش حاضر در پی پاسخ‌گویی به این پرسش است که: چرا علیرغم تفاوت آشکار میان سیاست‌های منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران و ترکیه، شاهد اتخاذ رویکرد واحد و مشترک در خصوص جهت‌گیری استقلال طلبانه کردستان عراق هستیم؟ برای پاسخ‌گویی به پرسش

حاضر فرض پژوهش بر این است که؛ نگرانی از بابت تسری استقلال‌طلبی کردهای عراق به مناطق کردنشین این کشورها و نگرانی از بابت حضور قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای (آمریکا، اسرائیل، عربستان) سبب اتخاذ رویکردی مشترک به وسیله ایران و ترکیه در قبال استقلال‌طلبی کردستان عراق شده است.

۱. پیشینه پژوهش

پژوهش‌های متعددی در خصوص استقلال کردهای عراق انجام گرفته که هر یک ابعاد خاصی از آن را بیان نموده‌اند. کتاب «تاریخ معاصر کردها» به طور مفصل تاریخ مبارزات کردها و خصوصاً کردستان عراق را بررسی نموده است (McDowall, 2004). پایانامه «تاثیر حکومت منطقه‌ای کردستان عراق بر روابط کشورهای منطقه (ترکیه، ایران و سوریه)» که در آن نویسندگان معتقد هستند حکومت منطقه‌ای کردستان عراق به عنوان یک حکومت دوفاکتو می‌تواند جنبش‌های ملی کرد را تقویت نماید و بر جمعیت کرد در منطقه تاثیر بگذارد (Shafi'I & Haji Minne, 2009). مقاله «امکان سنجی استقلال اقلیم کردستان عراق و تاثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران» که در آن نگارندگان معتقدند امکان استقلال کامل اقلیم کردستان وجود ندارد و با توجه به محدودیت‌های که دارد داری تاثیر قابل توجهی بر امنیت ملی ایران نخواهد بود (Shafi'I & Haji Minne, 2013). ناتالی در «کردهای شبه دولت: اعمال نفوذ سیاسی» به وضعیت موجود در حکومت اقلیم کردستان می‌پردازد و شرایط آنان را به لحاظ نفوذ سیاسی در عراق و روابط آنان را در سطح بین‌الملل بررسی نموده است (natali, 2015). در تمامی آثار یاد شده نویسندگان به تاثیر تحولات عراق در فرآیند استقلال‌طلبی کردها و همچنین تاثیرات روانی و ذهنی استقلال‌طلبی اقلیم کردستان بر مناطق کردنشین کشورهای ایران و ترکیه اشاره ندارند و متعاقباً هیچ کدام از آثار فوق در مورد اتحاد و ائتلاف ایران و ترکیه و واکنش‌های مشترک و هماهنگ دو کشور در قبال استقلال‌طلبی اقلیم کردستان توجه نکرده و هیچ کدام به صورت مستقیم رو این موضوع تمرکز نکرده‌اند، اما نگارندگان در این پژوهش سعی دارند با کاربردی نظریه ائتلاف سازی و اتحاد گذار، تحلیل‌های متفاوت‌تری در رابطه با استقلال‌طلبی

کردهای عراق و تأثیرات آن بر مناطق کردنشین کشورهای همسایه و واکنش و رویکرد سیاست خارجی ایران و ترکیه در قبال آن ارائه نماید.

۲. چارچوب نظری: ائتلاف‌سازی گذرا

اتحاد و ائتلاف یکی از انواع راهبرد در سیاست خارجی است. راهبرد اتحاد و ائتلاف زمانی به کار گرفته می‌شود که کشوری به این باور برسد که نمی‌تواند با بسیج توان خود، به هدف‌هایش برسد و منافع ملی خود را به بهترین شکل تأمین کند (ازغندی و روشندل، ۱۳۹۰: ۱۳۸-۱۳۹). نظریه ائتلاف تحت تأثیر نظریه بازی‌ها (عمدتاً بازی‌های که در آن بازیگران متعدد وجود دارد و بیشتر بازی با حاصل جمع جبری صفر است) بر این باور است که دولت‌ها صرفاً برای پیروزی، کسب فایده و امتیاز اقدام به ایجاد اتحاد می‌کنند (حاجی یوسفی، ۱۳۷۳: ۲۲). یکی از بهترین رویکردها در ارزیابی و تحلیل اتحادها دیدگاه استفن والت در قالب واقعگرایی نوکلاسیک است. با جابه‌جایی تمرکز واقعگرایی از موازنه قدرت به موازنه تهدید از سوی والت نقطه محوری مباحث در بررسی علت اتحادها و ائتلاف‌های نظامی با هدف ایجاد موازنه در واکنش به احساس تهدید مطرح شد. والت در رویکرد خود ابتدا بر رفتار موازنه‌سازی و یارگیری بازیگران تأکید می‌کند اما در ادامه به جای تأکید بر قابلیت‌های نظامی و تهاجمی به تهدیدات توجه دارد. با این وجود از نظر کنت والتز نظریه موازنه تهدید بازنگری در موازنه قدرت نیست بلکه کاربرد موازنه قدرت در سیاست خارجی است (3: 2013, book ana hennberg). بر اساس این رویکرد کشورها تلاش دارند با ایجاد توازن در مقابل کشورهای تهدیدکننده زمینه‌های لازم برای ایجاد ثبات و امنیت فراهم آورند. برای شکل‌گیری اتحاد و ائتلاف باید دو عامل یعنی تهدید مشترک و منافع مشترک وجود داشته باشد (قوام و ایمانی، ۱۳۹۰: ۳۸)، برخی از مهمترین مفروضات اتحاد عبارتند از:

- ۱- دولت‌ها به منظور حفظ امنیت خود در مقابل بیشترین منشأ تهدید متحد می‌شوند.
- ۲- تهدید صرفاً به میزان قدرت دولت‌ها محدود نمی‌شود بلکه تصور دولت‌ها نسبت به تهدید در روابط مد نظر است.

۳- هر اندازه قابلیت‌های تهاجمی و تهدیدات خارجی بیشتر باشد به همان اندازه انگیزه دیگر دولت‌ها برای اتحاد بیشتر می‌شود.

۴- تهدیدات به نوبه خود تابعی از افزایش قدرت، قابلیت‌های نظامی و تهاجمی، مجاورت جغرافیایی و مقاصد تجاوزگرانه است.

در پارادایم واقع‌گرایی و در چارچوب مفهوم موازنه قوا اتحادها به واسطه وجود دشمن قوی صورت می‌گیرد، اما برخی از نظریه‌پردازان واقع‌گرایی نه از روی مفهوم موازنه قوا بلکه بر مفهوم موازنه تهدید در تشریح اتحادها و ائتلاف‌ها اشاره دارند. در نظریه موازنه تهدید استفان والت، دولت‌ها نه برای موازنه قوا، بلکه به واسطه موازنه تهدید دست به اتحاد می‌زنند. از دید وی اتحاد آرایش رسمی و غیر رسمی برای همکاری امنیتی بین دولت‌های مستقل است (Walt, 1987: 1-12). بنابراین در این نظریه تهدید مشترک وجود دارد، برای فهم میزان و درجه تهدید باید عوامل نظیر قدرت عمومی، نزدیکی جغرافیایی، قدرت تهاجمی و نیت رفتار تهدیدآمیز، منشأ تهدیدزا در نظر گرفته شود (دوپرتی و فالتزگراف، ۱۳۸۴: ۶۹۵). در نتیجه والتز معتقد است که آنارشیک بودن ساختار نظام بین‌الملل با تمایل دولت‌ها برای برقرای اتحاد و ائتلاف پیوند دارد بنابراین دولت‌ها در شرایط آنارشیک نظام بین‌الملل برای حفاظت از خودشان به تشکیل اتحادها روی می‌آورند. برخی از این ائتلاف‌ها برای حفظ امنیت خود در برابر خطرات داخلی تشکیل شده‌اند اما اکثر آنها ماهیت منطقه‌ای و بین‌المللی دارد. برخی دولت‌ها این سمت‌گیری‌ها را به عنوان ابزاری برای مقابله با خطرات خارجی بر می‌گزینند. از این طریق نوع ائتلاف‌ها می‌توان جهت‌گیری و نقش ملی در سیاست خارجی کشورها را مورد توجه قرار داد (هالسی، ۱۳۷۳: ۵۴۹-۵۵۱). هر گونه موفقیت در سیاست امنیتی و خارجی، نیازمند آن است که جلوه‌هایی از ائتلاف‌سازی را مورد توجه قرار دهد. ائتلاف در زمره فرآیندهای سیاست خارجی محسوب می‌شود که توانسته است شرایط جدیدی در روابط بین کشورها ایجاد کند و از این طریق، منافع متقابل را برای واحدهای سیاسی به وجود آورد (سریع‌القلم، ۱۳۷۹: ۹). در سال‌های اخیر اقدامات استقلال طلبانه اقلیم کردستان عراق ابعادی جهانی یافته و این در حالی است که می‌توان مواضع ایران و ترکیه در قبال اقدامات کردستان عراق را بر پایه ائتلاف‌سازی گذرا تعریف

نمود، ایران و ترکیه نسبت به تبعات جدایی طلبی اقلیم کردستان عراق نگران هستند؛ زیرا گمان می‌کنند که می‌تواند گام اول برای تجزیه‌طلبی در دیگر کشورهای همسایه باشد. گستره و شدت تهدید فراروی امنیت ملی ایران و ترکیه به گونه‌ای است که یک بازیگر به تنهایی قادر به مقابله مؤثر با تهدیدات نخواهد بود. در این بین ترکیه با وجود همگرایی با غرب در مسئله کردها خط و مشی اتحاد با ایران را برگزیده است (غریباق زندگی و ساکری، ۱۳۹۳: ۷۹). که این نوع ائتلاف با دفع تهدید ناشی از اقدامات استقلال‌طلبانه عراق نیز از بین می‌رود.

۳. فرایند استقلال طلبی اقلیم کردستان عراق

فرایند استقلال طلبی کردهای عراق را در این پژوهش می‌توان به سه دوره تقسیم نمود: دوره اول از شکست امپراطوری عثمانی تا دوران اشغال عراق (۱۹۱۸ - ۲۰۰۳)، دوره اشغال عراق (۲۰۰۳ - ۲۰۱۴)، دوره پس از ۲۰۱۴ و ظهور داعش (۲۰۱۴ تا کنون).

۳-۱. دوره اول؛ ۱۹۱۸ تا ۲۰۰۳

در سال ۱۹۲۰ فاتحان جنگ جهانی اول، پیمان سور را با بقایای به جامانده از امپراتوری عثمانی امضا نمودند که مواد ۶۲، ۶۳، ۶۴ آن به استقلال کردها اشاره داشت. با به قدرت رسیدن آتاتورک و فراموشی پیمان سور، پیمان لوزان جای آن را گرفت و تشکیل دولت کردی از دستور کار خارج شد. با استقلال عراق و نادیده گرفتن حقوق کردها، تظاهرات بیشماری به رهبری مصطفی بارزانی صورت گرفت. در ابتدای سال ۱۹۶۰ قاسم به دلیل نگرانی از پایگاه اجتماعی بارزانی، تصمیم به سرمایه‌گذاری بر روی برخی از رقبای قبیله‌ای بارزانی گرفت (محمدیان و ترابی، ۱۳۹۴: ۱۱۶-۱۴۱)، و توانست از تحریک درگیری‌های بین قبیله‌ای، به عنوان عاملی مهم در تجدید حیات حکومت استفاده نماید. با به قدرت رسیدن عبدالسلام عارف در سال ۱۹۶۳، وی درصدد توافق با کردها و تنظیم بیانیه‌ای ۱۵ ماده‌ای در جهت به رسمیت شناختن و اعطای خودمختاری به آن‌ها بود، اما با کودتای بعثی‌ها در سال ۱۹۶۸، موضوع کردها مجدداً بی‌نتیجه ماند (Lawrence, 2008). رژیم بعث با هدف مقابله با نفوذ ایران در شمال، برای اولین

بار خودمختاری کردها را بر اساس معاهده‌ن ۱۹۷۰ به رسمیت شناخت. در سال ۱۹۷۵ صدام در قبال عدم حمایت از کردها، اختلافات مرزی با ایران در اروندرود را رفع کرد و قرارداد الجزایر در ۱۹۷۵ بین دو کشور امضاء شد که موجب قطع کمک‌های ایران و فروپاشی مبارزات کردها و پناهنده شدن بسیاری از آن‌ها به ایران و دیگر کشورها شد (McDowall, 2004: 358).

حمله آمریکا و متحدانش به عراق در سال ۱۹۹۱، کردها را در حمله به نیروهای بعثی در شهرهای اربیل، سلیمانیه و دهوک یاری رسانید. در ۳۰ مارس شهرهای کردنشین مجدداً تحت کنترل نیروهای صدام درآمد و موجب آوارگی مردم شد. رهبران کرد به منظور جلوگیری از آوارگی و تکرار انفال کردها، مذاکراتی را در چهار نقطه اعتماد متقابل، مردم‌سالاری، حقوق ملی کردها و وحدت عراق با رژیم صدام شروع نمودند، اما سرنوشت کرکوک و تعیین مرزها، همانند مذاکرات قبلی به موانع اصلی سازش تبدیل شد (Gunter, 1992: 70-73). با گسترش درگیری‌ها، شورای امنیت با تصویب قطعنامه ۶۸۸، مناطق ممنوعه پروازی را در شمال و جنوب عراق اعلام نمود. در پی آن، استان‌های سلیمانیه، دهوک و اربیل از سیطره بغداد رهایی یافتند (Kakai, 1994: 97). کردها در ۱۹۹۲ انتخابات پارلمانی برگزار کردند. دو حزب بزرگ دمکرات و اتحادیه میهنی ضمن تقسیم قدرت، اولین حکومت کردی را در چارچوبی مستقل از رژیم بعث شکل دادند و با انتخاب عنوان فدرالیسم آن منطقه را جزئی از عراق اعلام نمودند، اما دولت عراق آن‌ها را به رسمیت نشناخت. در مه ۱۹۹۴ اختلافات بین دو حزب حاکم به درگیری مسلحانه انجامید و تا اکتبر ۱۹۹۶ ادامه داشت. با آرام شدن وضعیت، مقامات دو حزب گفتگوهای وسیعی را شروع کردند و بارزانی و طالبانی در سپتامبر ۱۹۹۸ در واشنگتن به توافق رسیدند (محمدیان و ترابی، ۱۳۹۴: ۱۱۶-۱۴۱).

۲-۳. دوره دوم؛ ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۴

کردها در دوران اشغال هشت ساله عراق توسط ایالات متحده از ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۱ و به دنبال آن تا سال ۲۰۱۴ دو رویکرد را در دستیابی به اهداف مورد نظر خود در پیش گرفتند.

۳-۲-۱. حضور، همکاری و سازش با دولت مرکزی

در سال ۲۰۰۳ منطقه کردستان به عنوان پایگاهی از طرف نیروهای آمریکایی و متحدانش جهت سرنگونی صدام به کار گرفته شد. در جریان اشغال، کردها به متحدین اطلاعاتی آمریکا در عراق تبدیل شدند و در شورای ائتلاف موقت در سال ۲۰۰۳ از مجموع ۲۵ کرسی، ۵ کرسی این شورا را در اختیار داشتند (Darvishi & Mohammadian, 2014: 147). قانون انتقالی عراق در ۸ مارس ۲۰۰۴ به تصویب رسید و زمینه برگزاری انتخابات عمومی سال ۲۰۰۵ فراهم شد. در انتخابات ۳۰ ژانویه ۲۰۰۵، ائتلاف کردستان با کسب ۲۶ درصد آرا ۷۵ کرسی را کسب کرد. همزمان با آن، یک همه‌پرسی برگزار شد، در نتیجه ۹۸ درصد رای‌دهندگان به استقلال کردستان رای دادند (Galbraith, 2006). این نتایج در واقع نشان‌دهنده جایگاه ویژه کردها در نظام جدید عراق بود.

۳-۲-۲. مخالفت و عدم همکاری با بغداد

این دوره با اجرایی نشدن ماده ۱۴۰ قانون اساسی آغاز شد و منشاء اختلافات گسترده‌ای بین کردها و حکومت مرکزی عراق تا کنون بوده است. در واقع کردها بر این باورند، امتناع حکومت مرکزی از اجرای ماده ۱۴۰، نشانه‌ای از ضدیت و حرکت خلاف قانون اساسی دولت مرکزی است که سبب ضعیف شدن مردم‌سالاری در عراق شده و راه را برای درگیری‌های فرقه‌ای باز می‌نماید (محمدیان و ترابی، ۱۳۹۴: ۱۱۶-۱۴۱). با خروج نیروهای آمریکایی در سال ۲۰۱۱، تنش‌های فرقه‌ای همچنان به دلیل تنش بین جریان‌های سیاسی حل نشده بود و افزایش تنش‌ها بر سر اجرایی شدن ماده ۱۴۰ قانون اساسی، مسائله نفت و بودجه، مسئله تعداد و بودجه نیروهای پیشمرگه اقلیم کردستان عراق و مهمتر از همه بحث اداره شهر کرکوک باعث گسترده‌تر شدن اختلافات میان اقلیم کردستان و حکومت مرکزی عراق شد (Pfeifer, 2011). در اواسط سل ۲۰۱۳ میزان تنش‌های میان اربیل و بغداد به بالاترین حد ممکن از بطن تأسیس عراق جدید رسید و هر دو طرف مذاکره، دیدار با یکدیگر را تحریم کردند و در این مدت حکومت اقلیم کردستان اقدام به تنظیم قراردادهای نفتی یکجانبه با شرکت‌های نفتی نمود، و دولت مرکزی

نیز در مقابل بودجه ۱۷ درصدی حکومت اقلیم را قطع نمود؛ اما حکومت اقلیم ضمن تأکید بر ماده ۱۴۰ و ملی نمودن پیشمرگه، قراردادهای نفتی خود را ادامه داد (Hawrami, 2015).

۳-۳. دوره سوم؛ ظهور داعش و برگزاری همه‌پرسی استقلال (۲۰۱۴ تا ۲۰۱۸)

این دوره از پرتنش‌ترین دوره‌ها بین دولت مرکزی و حکومت اقلیم بود و با توجه به اینکه انتخابات سال ۲۰۱۴ و تهاجم داعش مسیر اختلافات را در جهت منافع کردها به گونه‌ای تغییر داد که در نهایت منجر به برگزاری همه‌پرسی استقلال در پاییز ۲۰۱۷ شد، در دو قسمت بررسی خواهد شد.

۳-۳-۱. برگزاری انتخابات و دولت جدید

سومین انتخابات پارلمانی عراق در ۳۰ آوریل ۲۰۱۴ برگزار شد. که کردها به انتخاب نخست‌وزیری غیر از مالکی تأکید داشتند (محمدیان و ترابی، ۱۳۹۴: ۱۴۱-۱۱۶). از مهمترین اقدامات حکومت اقلیم در این مدت، فراخواندن وزرای کرد کابینه و بازگشت به کردستان بود. در نهایت کردها با مخالفت با نخست‌وزیری مالکی و با پیش‌شرط‌های زیادی در کابینه جدید به ریاست حیدر العبادی مشارکت کردند. با ادامه اختلافات به جامانده از دوران مالکی، منطقه کردستان در سال ۲۰۱۴ نیز به عقد قراردادهای نفتی با شرکت‌های خارجی بدون کسب مجوز از دولت مرکزی عراق و صدور نفت از طریق ترکیه ادامه داد و از واریز درآمدهای نفتی به خزانه مرکزی اجتناب کرد، اما در نهایت وضعیت اقتصادی کردها و تغییر نخست‌وزیر در بغداد از نوری مالکی به حیدر العبادی، به تغییر صحنه روابط بین اقلیم کردستان و حکومت مرکزی عراق کمک کرد و در نوامبر ۲۰۱۴، حکومت اقلیم و دولت مرکزی عراق درباره حل اختلافات مربوط به بودجه و انرژی به توافق رسیدند (Smith and staff, 2016). اگرچه توافقنامه‌ای برقرار شد و روابط میان اربیل و بغداد از زمانی که حیدر العبادی نخست‌وزیر شد بهبود یافت، اما هر دو طرف همواره این احساس را داشتند که دیگری به تعهدات خود عمل نکند (Nader et al, 2016: 43).

۳-۳-۲. تهاجم داعش به عراق

با تصرف موصل در ژوئن ۲۰۱۴ و اشغال ۳۵ درصد خاک عراق توسط داعش و فرار نیروهای عراقی، حکومت اقلیم ۴۰ درصد از مناطق مورد مناقشه را با استقرار نیروهای پیشمرگ به کنترل خود درآورد، پس از آن، رئیس حکومت اقلیم اعلام کرد موضوع ماده ۱۴۰ دیگر مطرح نیست و کرکوک به بخشی از منطقه کردستان تبدیل شده است و برخی بر این باور بودند که در نهایت داعش به استقلال کردها و تشکیل دولت کردی منجر خواهد شد (Henri, 2014). به طور کلی، تاثیرات ظهور داعش در تسریع فرایند استقلال طلبی اقلیم کردستان عبارتند از: حاکمیت و کنترل مناطق مورد منازعه، تسهیل همکاری نظامی با غرب، بین‌المللی کردن مسئله کردی و کسب حمایت‌های نظامی آمریکا و شرکای آن، تقویت همبستگی پان‌کردها در منطقه و همکاری احزاب دمکرات و کارگران کردستان (محمدیان و ترابی، ۱۳۹۴: ۱۱۶-۱۴۱). ظهور داعش باعث آغاز همکاری نظامی کردستان با ۲۱ کشور دنیا و ۹ قدرت دیگر برای خرید تسلیحات شد که به کارایی و حاکمیت مؤثر حکومت اقلیم کردستان شد (Pollack, 2016: 8). همچنین، حمله داعش به کردها سبب تحریک حس ناسیونالیستی و اتحاد میان مردم در مناطق کردنشین شد و همچنین زمینه ایجاد یک ارتش واحد در اقلیم کردستان و تسریع فرایند استقلال طلبی شد، به گونه‌ای که از زمان ظهور داعش رهبران اقلیم کردستان با کنترل مناطق مورد منازعه در مورد استقلال و برگزاری همه‌پرسی صحبت کردند که در نهایت در ۲۵ سپتامبر ۲۰۱۷ سران اقلیم به برگزاری همه‌پرسی استقلال جامعه عمل پوشاندند.

۴. استقلال طلبی اقلیم کردستان و رویکرد دوکشور ایران و ترکیه

نگرانی از بابت تسری استقلال طلبی کردهای اقلیم کردستان و حضور قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای سبب اتخاذ رویکرد مشترک ایران و ترکیه در قبال استقلال طلبی کردستان عراق شده است. بر این اساس، در ادامه نگارندگان با توجه به این مؤلفه‌ها به بررسی رویکرد دوکشور ایران و ترکیه در قبال استقلال طلبی اقلیم کردستان خواهند پرداخت.

۴-۱. مؤلفه‌های تاثیرگذار بر رویکرد ایران در قبال اقلیم کردستان

۴-۱-۴. کردهای ایران

رویکرد جمهوری اسلامی ایران به استقلال طلبی اقلیم کردستان، تحت تأثیر روابط آن با جمعیت کردی خود و ادراک آن در مورد قصد قدرت‌های خارجی در منطقه کردستان عراق خواهد بود (Yildiz and Taysi, 2007: 25). در حالی که کردهای ایران از ظهور یک کردستان مستقل در شمال عراق ابراز خوشحالی می‌کنند، به نظر می‌رسد میزان وابستگی و ارتباط آنها به یک کردستان مستقل، بسته به عوامل متعددی از وابستگی‌های قبیله‌ای، زبانی و مذهبی به موقعیت جغرافیایی در ایران تا ایدئولوژی سیاسی متفاوت خواهد بود (Yildiz and Taysi, 2007: 37). بر اساس مصاحبه‌های انجام شده در داخل ایران توسط مرکز تحقیقات بین‌المللی صلح خاورمیانه در آنکارا در سال ۲۰۱۳ پیوستگی و ارتباطی که کردهای ایران با دیگر کردها احساس می‌کنند، تحت تأثیر موقعیت جغرافیایی آنها در داخل ایران قرار گرفته است. به عنوان مثال، این نظر سنجی نشان داده است که کردهای ایرانی جنوب ارومیه، به نسبت کردهای شمال ایران دارای پیوستگی‌ها و اشتراکات نزدیکتری با کردهای عراق هستند (Nader et al, 2016: 78). به طور کلی، واکنش کردهای ایران به دلایل فرهنگی نیز ممکن است از کردهای خارج از کشور متفاوت باشد، زیرا به دلیل تشابهات و اشتراکات بین دو فرهنگ فارسی و کردی، کردهای ایران نسبت به کردهای که در ترکیه، عراق یا سوریه زندگی می‌کنند بیشتر تمایل به وابستگی به کشورشان دارند. در کنار این خطوط و علیرغم توجه متخصصان و تحلیل‌گران به احزاب سیاسی کرد و شورشیان، اکثر فعالیت‌های سیاسی که نسل جوان کردی ایران در آن شرکت می‌کنند، بخشی از فعالیت‌های گسترده جامعه مدنی ایران است که خواستار تعمیق دموکراسی عمومی و بهبود وضعیت اقتصادی است (Yildiz and Taysi, 2007: 63).

۴-۲-۴. احزاب سیاسی

دو حزب ایرانی کردی که بیشترین ثبات و نفوذ را در جامعه کرد ایران داشته‌اند، حزب دموکرات کردستان ایران و حزب کومله هستند (Ahmadzadeh and Stansfield,

15: 2010. حزب دموکرات (KDPI) در سال ۱۳۲۴ ش (۱۹۴۵) تأسیس شد و قدیمی ترین حزب سیاسی کردهای ایران است. پایگاه سنتی آن، که عمدتاً متشکل از روشنفکران طبقه متوسط شهری است، در منطقه مهاباد متمرکز شده است (Yildiz and Taysi, 2007: 97). گرچه KDPI خشونت را به عنوان شکل اصلی مقاومت خود از دست داده است، اما هنوز تمایلات و اعتقادات اصلی جمهوری اسلامی ایران را با درخواست وجود یک دولت سکولار و پیگیری خودگردانی و فدارلیسم برای اقلیت‌های قومی، مورد اعتراض قرار می‌دهد (Iranian Kurdistan, 2010). حزب کومله (گروه انقلابی زحمتکشان کردستان ایران) در سال ۱۳۴۸ ش (۱۹۶۹م) به عنوان یک سازمان مارکسیستی رادیکال و با ادغام سه گروه چپ‌گرا تأسیس شد و به KDPI برای خدمت به بورژوازی حمله کرد (Bruinessen, 1986: 121). پایگاه سنتی کومله بیشتر از نواحی اطراف سنندج سرچشمه می‌گیرد. امروزه، کومله خواستار تبدیل شدن ایران به یک فدراسیون سوسیالیستی برای همه اقلیت‌ها و قومیت‌های ایران است (Yildiz and Taysi, 2007: 123). در اقلیم کردستان، هر دو حزب دارای مقر و پایگاه فرماندهی در سلیمانیه هستند. در صورت شکل‌گیری ناآرامی در مناطق کردی ایران و تشدید ناسیونالیسم کردی در حمایت از کردستان مستقل، این دو حزب می‌توانند فعالیت‌های مسلحانه خود علیه نیروهای ایران را به عنوان ابزاری برای به هم متصل کردن نیروهای داخلی و جبران خسارت‌های محلی خود از سر بگیرند و چالش‌های را برای امنیت داخلی ایران ایجاد نمایند.

۴-۲. مؤلفه‌های تاثیرگذار بر رویکرد ترکیه در قبال اقلیم کردستان

۴-۲-۱. کردهای ترکیه

بی‌گمان، یکی از مهمترین مسائلی که از آن به عنوان مسئله امنیت داخلی ترکیه یاد می‌شود، مسئله کردهاست. کردهای ترکیه همواره در تقابل با دولت‌های تشکیل یافته در آنکارا بودند و مسائلی چون انکار هویت کردی توسط قانون اساسی ترکیه و عدم توسعه مناطق کردنشین این کشور، همواره مانع بزرگی در تعامل میان کردها و دولت ترکیه ایجاد کرده است. اما پیروزی حزب حزب اسلام‌گرای عدالت و توسعه به رهبری رجب

طیب اردوغان در انتخابات پارلمانی نوامبر ۲۰۰۲، روابط دولت مرکزی با کردها را وارد مرحله نوینی کرد که در آن رهبران دولت ترکیه سیاست آشتی ملی را در پیش گرفتند که رسیدگی نسبی به مسئله کردها بیش از سی دهه جنگ و خونریزی و توجه به مطالبات آنها از بارزترین مصادیق سیاست آشتی ملی بود (فرحمند و سمیعی، ۱۳۹۶: ۹۰-۱۱۸). با این حال در ادامه و به ویژه با رویدادهای سالهای ۲۰۰۷ و همچنین سالهای ۲۰۱۱ به بعد، رهبران ترکیه نتوانستند یا نخواستند به تعهدات خود در قبال کردها جامه عمل بپوشانند. لذا می‌توان مسئله کردها در ترکیه در دو قسمت توضیح داد.

۴-۲-۱. سیاست آشتی ملی

پیروزی حزب عدالت و توسعه را باید تحول جدیدی در سیاست داخلی ترکیه بدانیم زیرا این حزب با زبان نرم سیاسی و تأکید بر حقوق فرهنگی کردها و انعطاف با پ.ک.ک، فعالیت‌های نسبتاً اصلاحی را آغاز نمود. طی این اصلاحات، اردوغان برای از میان برداشتن شکاف‌های اقتصادی و توسعه ناموزون ترکیه در میان بخش‌های غربی و شرقی، نخست امکانات رفاهی و آموزشی لازم را برای مناطق کردنشین فراهم کرد، سپس اقدام به ایجاد تغییراتی در سطوح سیاسی نمود. به تبع این مسئله، گفتمان‌های تبعیض‌آمیزی که تهدیدی بر امنیت داخلی ترکیه محسوب می‌شد، مورد بازبینی قرار گرفته شد و مواردی چون سیاست همگون‌سازی اجباری و نادیده گرفتن هویت کردی مورد تجدید نظر قرار گرفت. گام بعدی اردوغان، چهارچوب فرهنگی را مورد توجه قرار داد. پژوهشگران در میان اصلاحات فرهنگی بیشتر مسائلی همچون تأسیس شبکه کرد زبان از سوی دولت و امکان یادگیری زبان کردی به عنوان یک زبان انتخابی در مدارس عمومی را مدنظر قرار داده‌اند. بی‌گمان انجام چنین اصلاحاتی که مطالبه چندین ساله کردهای ترکیه بود، می‌توانست در حرکت دولت مرکزی ترکیه و کردها به سمت تعامل و رسیدن به نقطه صلح موثر واقع گردد. اردوغان برای رسیدن به چنین هدفی سیاست جایگزین کردن مفهوم «شهروندی» به جای هویت ترکی را به کار بست و شعار آتاتورک با عنوان «چه خوشبخت است آن کس که گوید من ترک هستم» را از میادین اصلی شهرهای کردنشین برچید تا نشان دهد که به دنبال خلع سلاح حزب کارگران و ادامه همراهی مردم این نواحی با حزب عدالت است (فرحمند و سمیعی، ۱۳۹۶: ۹۰-۱۱۸). به دنبال اصلاحات انجام گرفته، اردوغان، فرایندی را با عنوان

«گشایش دموکراتیک» آغاز کرد. فرایند اصلاحی جدید، اهدافی چون عادی‌سازی و امنیت زدایی از مسئله کردها و فراهم سازی راه‌حلی با ابزارهای دموکراتیک و مدنی جهت صلح را دنبال می‌کرد. شکی نیست که مباحث موجود بر سر «دموکراتیزاسیون» در این برنامه، باعث رهایی ترکیه از چالش‌ها و تنش‌های قومی یا حداقل کاهش آن می‌شد، اما همچنان که تحولات بعدی در خاورمیانه نشان داد، این برنامه نمی‌توانست از قدرت کافی در حل مسئله کردها برخوردار باشد. چرا که چنین برنامه‌هایی اگر چه در کوتاه مدت پاسخگو بودند، اما نمی‌توانستند مسئله کردها را به شکل ریشه‌ای حل کنند به خصوص اینکه حوادث منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای دولت ترکیه را بیشتر به سمت تقابل با کردها کشانده است. در واقع آغاز بحران‌های منطقه‌ای خاورمیانه چون بهار عربی، ظهور داعش و تقویت استقلال طلبی کردهای عراق و ترس از تسری تمایلات جدای طلبانه به داخل مناطق کردنشین، سبب شد تا روابط دولت با اقلیت کرد وضعیت امنیتی به خود بگیرد، این امر بر روند صلح و سیاست‌های آشتی‌گرایانه اردوغان تاثیر گذاشته و باعث فعال شدن مجدد شکاف ترک - کرد شده است.

۴-۲-۱-۲. سیاست سرکوب

سیاست سرکوب وجه دیگری از رفتار سیاسی و نظامی دولت مرکزی ترکیه در قبال کردهای این کشور است. مؤلفه‌ای که بسیاری از برنامه‌های اصلاحی اردوغان را در قبال حل مسئله کردها زیر سوال برد. این رویکرد عمدتاً به نگرانی شدید از تهدیدات داخلی نسبت به امنیت حکومت باز می‌گردد. پس از حملات گسترده پ.ک.ک در سال ۲۰۰۷ دولت قانونی را تصویب نمود که به موجب آن نیروهای مسلح ترکیه قادر به انجام عملیات مسلحانه در شمال عراق علیه کردهای مسلح حاضر در پ.ک.ک به منظور جلوگیری از اقدامات تروریستی آنان می‌کرد. بر اساس این قانون پلیس ترکیه اجازه استفاده از سلاح گرم در مقابله با تظاهرات و تجمعات را به دست آورد و اختیارات بسیار گسترده‌ای به فرمانداری‌ها و مراکز پلیس به منظور سرکوب تمام تجمعات داده شد. واضح است که تصویب چنین سیاستی بیشتر مناطق کردنشین ترکیه را هدف قرار قرار می‌داد (Baykal, 2013: 5). خشونت دولت اردوغان در سرکوب تجمعات و کشته شدن عده‌ای از شهروندان کرد و دستگیری عده زیادی از طرفداران حزب صلح و دموکراسی در سال ۲۰۰۹، به جرم

شرکت در عملیات‌های «اتحادیه جوامع کردستان» که تشکلی وابسته به «پ.ک.ک» است سبب گردید تا حسن نیت اردوغان و حزیش را در مورد مسئله کردها زیر سوال ببرد و مردم کرد ترکیه را به سمت مقابله با دولت سوق دهد (فرحمند و سمیعی، ۱۳۹۶: ۹۰-۱۱۸). علاوه بر این سه سخنرانی معروف اردوغان بیش از هر حادثه دیگری در فاصله گرفتن کردهای ترکیه از دولت تاثیر گذاشت. تاکید اردوغان بر مسائلی چون «کوبانی در حال سقوط است»، «در ترکیه مسئله کردها وجود ندارد»، «با تروریست‌ها بر سر یک میز مذاکره نخواهیم کرد» به صورت آشکاری تغییر مواضع دولت در برابر کردها را اعلام کرد. این سه سخنرانی تظاهرات کوبانی و قهر جامعه کردهای این کشور را با دولت بار آورد و بدین ترتیب روند مذاکرات صلح با شکست مواجه گردید و در سال‌های بعد سیاست سرکوب کردها با شدت بیشتری دنبال شد.

۲۱



۴-۲-۲. حزب کارگران کردستان (پ.ک.ک)

مهمترین نگرانی که دولت ترکیه از استقلال طلبی اقلیم کردستان دارد مربوط به قدرت‌گیری «پ.ک.ک» است. پ.ک.ک یا «پارتیا کریکارین کوردستان» را عبدالله اوجلان با شعار استقلال کردستان در سال ۱۹۸۷ با طرح نوعی از روایت مارکسیستی - لنینیستی تاسیس کرد. این حزب مبارزه با دولت ترکیه را حول محور مارکسیسم و قوم‌گرایی کردی سازمان داده و اصولاً مرزهای کنونی ترکیه را به رسمیت نمی‌شناسد و کردستان را کشوری مستقل و ترکیه را اشغال‌گر می‌داند (kayhan, 2014: 82-83). پ.ک.ک مبارزه مسلحانه بر علیه ترکیه را از طریق عملیات تروریستی فراوان هم در جنوب شرقی و هم در سایر مناطق ترکیه دنبال کرد اما با بازداشت اوجلان در فوریه ۱۹۹۹ و آتش‌بس یکجانبه از طرف پ.ک.ک در نتیجه امید برای حل مسئله کردها در ترکیه گشوده شد. سرانجام پس از حدود سی سال درگیری مسلحانه، از سال ۲۰۰۵ سازمان امنیت ترکیه با هدف خلع سلاح پ.ک.ک و حل مسئله کردها به مذاکره با اوجلان پرداخت. ولی در نهایت این مذاکرات به دلیل عدم اقدام جدی دولت برای حل مسئله کردها نتیجه‌ای نداد. و با توجه به روند نظامی دیرینه دولت ترکیه با پ.ک.ک تا سال ۲۰۱۱ پیشرفتی در حل مسئله کردها حاصل نشد (فرحمند و سمیعی، ۱۳۹۶: ۹۰-۱۱۸). در سال ۲۰۱۳ اوجلان در اقدامی خواستار مذاکره با دولت ترکیه برای حل مسئله کردها شد. با قبول مذاکرات از سوی دولت،

مذاکرات بین دو طرف در محل نگهداری اوجالان آغاز شد. هر چند دو طرف در مرحله اول بر سر آتش‌بس، عقب‌نشینی نیروهای پ.ک.ک، تغییرات در بندهای ۱، ۲، ۳ و ۴ قانون اساسی و به خصوص مواد ۴۲ نت ۶۲ و همچنین خلع سلاح نیروهای پ.ک.ک و بازگشت آنها به خانه و شرکت در فرایند سیاسی به توافق رسیدند (Albayrak & Aldin, 2013: 4-8)، اما تفاوت‌های بنیادی دولت ترکیه و پ.ک.ک نسبت به مسئله کردی سبب شکست دوباره مذاکرات شد. در واقع، برای ملی‌گرایان کرد، ریشه مسئله کردها در بی‌عدالتی تاریخی و انکار حقوق سیاسی و فرهنگی آنها نهفته است که تا امروز نیز به در جمهوری ترکیه ادامه پیدا کرده است. آن‌ها راه‌حل مسئله را در رسمیت شناختن حقوق سیاسی، فرهنگی و ایجاد سیستم فدرالیسم در مناطق کردی می‌دانند که تفاوت بنیادی نسبت به نگاه دولت ترکیه دارد. به همین دلیل بود که روند مذاکرات صلح به راحتی و بر اثر وقوع حوادث بعد از انتخابات ژوئن ۲۰۱۵ جای خود را به انکار و اولویت برخورد نظامی و جنگ دوباره با پ.ک.ک و دستگیری برخی از فعالین سیاسی و مدنی مناطق کردنشین داد. علاوه بر این، مسائل دیگری نیز، همچون قدرت‌گیری کردهای سوری وابسته به پ.ک.ک در شمال سوریه و تسریع روند استقلال طلبی اقلیم کردستان و برگزاری همه‌پرسی رویدادهای دیگری بودند که خبر از تقابل دولت ترکیه با مناطق کردنشین و پ.ک.ک داد. به طور کلی می‌توان گفت که نگرانی‌های داخلی ایران و ترکیه از استقلال کردستان عراق و تسری تمایلات جدای طلبانه از این منطقه به داخل مناطق کردنشین این دو کشور از تأثیراتی است که استقلال طلبی اقلیم کردستان می‌تواند در جامعه کردی این کشورها و به ویژه قدرت‌گیری احزاب اپوزیسیون کردی داشته باشد. تأثیراتی که عبارتند از:

الف) الگوسازی و تأثیرات ایدئولوژیک بر ذهن کردهای ایران و ترکیه؛ از آنجا که

فدرالیسم در اقلیم کردستان عراق شکل گرفته و کردهای این کشور از خودمختاری کامل برخوردار شده‌اند، استقلال طلبی اقلیم کردستان موجب الگوسازی در ایران و ترکیه و انتقال روانی آن به مناطق کردنشین و تأثیر ایدئولوژیک بر ذهن آنان برای خودمختاری یا چیزی شبیه فدرالیسم عراق خواهد بود. انتقال روانی وضعیت جدید و دستاوردهای کردهای عراق به مناطق کردنشین بخصوص نخبگان و قشر تحصیل کرده و سنجش وضعیت سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و رفاهی کردستان عراق با نواحی کردنشین دو کشور سبب افزایش انتظارات از دولت مرکزی خواهد شد. همچنین تحولات کردستان عراق به دلایل مختلف از

جمله نزدیکی جغرافیایی، انتشار اخبار و حوادث از طریق رسانه‌های کردی سبب تأثیرگذاری بر رشد خودآگاهی و هویت کردی در منطقه شده است که این امر به ویژه در کردستان ترکیه با توجه به شیوه برخورد ترکیه با هویت، زبان و فرهنگ کردی و سرباز زدن از شناسایی هویت کردی بیشتر قابل لمس است. در واقع اقدامات استقلال طلبانه اقلیم کردستان باعث رشد احساسات ملی گرایانه مردم کرد در کل منطقه خواهد شد.

ب) تأثیرگذاری بر احزاب سیاسی؛ تحولات کردستان عراق تأثیرات زیادی بر سازمان و تشکیلات احزاب مخالف دولت‌های ایران و ترکیه داشته است. از جمله مهمترین این تأثیرگذاری احیای دوباره احزاب و از سرگیری مبارزات خود، تغییرات گسترده درون سازمانی و انشعاب‌های درونی است. علاوه بر این اگرچه دولت منطقه‌ای اقلیم کردستان روابط گسترده‌ای را با دو کشور ایران و ترکیه به ویژه در زمینه اقتصادی دارد، اما نحوه تعامل آن با احزاب و مخالفین کرد دو کشور به گونه‌ای است که آنها با حمایت مادی و معنوی شخصیت‌های کرد عراقی، به فعالیت خود ادامه می‌دهند.

ج) تأثیرگذاری اقتصادی بر مناطق کردنشین دو کشور؛ مناطق کردنشین خاورمیانه، به لحاظ اقتصادی و توسعه، از مناطق عقب افتاده کشورهای متبوع خود هستند. برای مثال مناطق کردنشین ترکیه تنها ۴ درصد تولید ناخالص داخلی را تولید می‌کنند که فقط ۲ درصد آن تولید نفتی است. بیکاری در این مناطق دو برابر دیگر مناطق ترکیه است. درآمد سرانه استان‌های کردنشین کمتر از ۱٪ استامبول است. وضعیت اقتصادی مناطق کردنشین ایران نیز چندان مناسب نیست. در اواسط سال ۱۳۹۶ ش، از پنج استانی که کمترین نیروی کار خود را در بخش صنعتی داشته‌اند، سه استان کردنشین یا اکثریت کرد هستند (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۶). بیکاری بالا منجر به فعال شدن بازار سیاه کالاهای اقتصادی از طریق حمل و نقل کردی یا کولبری و قاچاق کالا از عراق به مناطق کردنشین دو کشور شده است، که این امر با توجه به وجود تهدیدات نظامی، رفت و آمدهای غیرقانونی، حضور قاچاقچیان به دلیل قاچاق کالا گروهک‌های مخالف حکومت مرکزی دو کشور، اشرار و مهمتر از همه توسعه نیافتگی فضاها و سکونت‌گاه‌های جغرافیایی، مرزهای مناطق کردنشین را به نقاط خطر مبدل ساخته است. مجموعه این عوامل اقتصادی در مقایسه با وضعیت اقتصادی اقلیم کردستان و توسعه این منطقه باعث تأثیرات روانی و ذهنی بر مناطق کردنشین و افزایش انتظارات از دولت‌های مرکزی دو کشور شده است.

۵. ملاحظیات ژئوپلیتیک و نگرانی از حضور رقبای منطقه‌ای در اقلیم کردستان

رقابت ایران و ترکیه با رقبای ژئوپلیتیک آن‌ها تا حد زیادی در رویکردشان نسبت به اقدامات استقلال طلبانه اقلیم کردستان مؤثر می‌باشد که این امر موجب نگرانی‌های بسیاری برای دو کشور شده است. در واقع، واکنش و رویکرد جمهوری اسلامی ایران و دولت ترکیه به یک دولت مستقل کردی، تحت تأثیر روابط آن‌ها با جمعیت کردی خود و ادراک شان در مورد قصد قدرت‌های خارجی در منطقه کردستان عراق است. در طول قرن بیستم اتحاد جماهیر شوروی و عراق از کردهای ایران به عنوان اهرمی برای رسیدن به قدرت منطقه‌ای استفاده می‌کردند (Yildiz and Taysi, 2007: 25). دولت سوریه نیز به دلیل اختلافات خود با ترکیه، طی چندین دهه برخی از جنبش‌های سیاسی مخالف آنکارا، از جمله «پ.ک.ک» را مورد حمایت قرار داده و به طور متناوب از این گروه به عنوان اهرم فشار علیه دولت ترکیه استفاده کرده است. هر چند در سال‌های اخیر عراق متحد اصلی ایران بوده و سوریه نیز به دلیل تأثیرات ناشی از بهار عربی در شرایطی نیستند از این اهرم در قبال ایران و ترکیه استفاده کنند، اما این شرایط برای دیگر رقبای منطقه‌ای دو کشور همچنان پابرجاست و دور از ذهن نخواهد بود که از این اهرم برای ایجاد بحران و بی‌ثباتی در دو کشور استفاده کنند. بر این اساس، در حالی که شرایط برای ایران و ترکیه ایده‌آل پیش نمی‌رود، اما دو کشور به دلیل فرصت‌های اقتصادی ایجاد شده در اقلیم و نیز کنترل تأثیرات گسترده استقلال اقلیم بر نواحی کردنشین خود، نمی‌خواهند دولت اربیل را دلسرد کند و فضای بیشتری را برای رقبای منطقه‌ای خود از جمله اسرائیل و عربستان و کشورهای فرامنطقه‌ای همچون آمریکا برای مانور در یک کشور جدید در مرزهای خود فراهم کنند. لذا از آنجایی که حضور رقبای منطقه‌ای دو کشور در اقلیم کردستان می‌تواند امنیت منطقه‌ای آنها را با چالش مواجه سازد، ما در ادامه مقاله و برای درک بهتر تبعات امنیتی استقلال کردستان برای دو کشور به بررسی حضور و نفوذ رقبای منطقه‌ای آنها در اقلیم کردستان خواهیم پرداخت.

۵-۱. آمریکا

سابقه همکاری کردها با آمریکا به سال‌ها پیش بر می‌گردد با این حال، آمریکا به دلایلی از اجازه به کردها برای حرکت به سمت استقلال خودداری می‌کند. اول؛ ترکیه، ایران و سوریه

به دلیل جمعیت زیاد کردشان با دولت مستقل کرد در مرزهای کشورشان مخالفانند. دوم؛ حاکمیت خود کردها منجر به وضعیتی در بقیه کشور می‌شود که جمعیت شیعه اکثریت می‌یابد و عراق را به جمهوری اسلامی دیگری که بازتاب ایران باشد تغییر می‌دهد. سوم؛ کنترل کردها بر حوزه‌های نفتی کرکوک و موصل سبب می‌شود که مثلث سنی بدون هیچ منبع درآمدی به حال خود رها شود. آنچه در حال حاضر برای آمریکا اهمیت راهبردی بیشتری دارد حفظ یکپارچگی و تمامیت ارضی عراق است. هرچند آمریکا در اقلیم کردستان منافی را دنبال می‌کند اما در حال حاضر خواهان تجزیه عراق نیست (احمدیان و دیگران، ۱۳۹۷).

۲۵

۲-۵. اسرائیل

اسرائیل زمینه‌های حضور خود را در کردستان عراق با زیرساخت‌های فنی آغاز کرده و به دنبال نفوذ سیاسی-امنیتی بوده، کردها امید دارند با نزدیکی به اسرائیل و جلب حمایت لابی یهود در آمریکا، نظر آمریکا را در حمایت قطعی از استقلال‌طلبی کردها تغییر دهند. اهداف کردها از توسعه روابط خود با اسرائیل عبارت است از: جلب دولت حامی در منطقه و مهار قدرت‌های مخالف و رقیب از طریق آن و مقابله با نفوذ ایران (احمدیان و دیگران، ۱۳۹۷). در واقع کردستان عراق و اسرائیل از جایگاه رسمی در روابط با یکدیگر برخوردار نیستند اما به نظر می‌رسد رابطه آنان به کمک‌های نظامی آن رژیم به ملا مصطفی در طی ۱۹۷۵-۱۹۶۳ بر می‌گردد. از آنجا که جمعیت اندکی از یهودیان در عراق زندگی می‌کنند، این رژیم به دنبال بازی کردها در برابر دولت عراق است. پس از جنگ سال ۲۰۰۳ و تقویت جایگاه کردها، اسرائیل به منظور مقابله با قدرت نفوذ ایران آمادگی خود را برای کمک به حکومت اقلیم اعلام نمود (قاسمی و ترابی، ۱۳۹۴: ۱۱۶-۱۶۱). اسرائیل یکی از کشورهایی بود که از همه‌پرسی کردهای عراق در ۲۵ سپتامبر ۲۰۱۷ حمایت کرد. بنابراین، حضور اسرائیل در اقلیم کردستان عراق که از مهمترین رقبای منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران در منطقه خاورمیانه هست و به علت تمایلات اسلام‌گرایانه حزب عدالت و توسعه و حمایت از آرمان‌های فلسطینیان، می‌تواند در آینده منافع ملی و امنیت منطقه‌ای دو کشور در غرب آسیا و به ویژه در عراق که از ۲۰۰۳ مهمترین متحد و عرصه عمل قدرت‌نمایی ایران

بوده است و در اقلیم کردستان که یکی از مهمترین شرکای اقتصادی و تامین کننده انرژی مورد نیاز ترکیه است، با چالش‌های بزرگی مواجه کند.

۵-۳. عربستان

عواملی چون وجود محیط مناسب اقتصادی و پتانسیل‌های اقلیم کردستان عراق برای عربستان؛ اجرای سیاست‌های آمریکا در عراق مبنی بر تجزیه، تضعیف نظامی و عدم انسجام از نظر تصمیم‌گیری سیاسی؛ اعتقاد به اینکه طرف سیاسی اقلیم کردستان می‌تواند به راحتی با خواسته‌ها و تمایلات آن هماهنگ شود؛ جلوگیری از نفوذ ایران و مجوز کردن گروهک‌های تروریستی کرد و استفاده از آنها برای انجام اقدامات تروریستی در مناطق غربی ایران و ناامن‌سازی این مناطق؛ حمایت از تشکیل و استقلال اقلیم کردستان در عراق به شرط فرصت تشکیل اقلیمی سنی‌نشین متشکل از استان‌های سنی شمال و غرب؛ از جمله انگیزه‌های عربستان برای نزدیک شدن به اقلیم کردستان است (Phillips, 2017: 264). همچنین عربستان سعودی در سال ۲۰۱۴ مبلغ ۵۰۰ میلیون دلار برای کمک به آوارگان عراقی اختصاص داد. این کمک‌های بشردوستانه بیانیه‌ای در حمایت از حکومت اقلیم کردستان محسوب می‌شود که هم در مقابل شبه‌نظامیان سنی قرار گرفته و هم نیز به عنوان وزنه تعادلی در مقابل نفوذ ایران در بغداد خدمت می‌کند؛ علاوه بر این عربستان سعودی آلت‌رناتیوی را برای ترکیه نمایندگی می‌کند، که در آن کردها بر کمک‌های بین‌المللی تکیه می‌نمایند (احمدیان و دیگران، ۱۳۹۷).

۶. واکنش ایران و ترکیه به استقلال طلبی اقلیم؛ ائتلاف سازی و اتحاد

همچنان که در بخش نظری گفته شد؛ راهبرد اتحاد و ائتلاف زمانی به کار گرفته می‌شود که کشوری به این باور برسد که نمی‌تواند با بسیج توان خود، به هدف‌هایش برسد و منافع ملی خود را به بهترین شکل تأمین کند. در نظریه ائتلاف سازی گذرا با تأکید بر مفهوم موازنه تهدید، علت و هدف اتحادها در واکنش به احساس تهدید مشترک است. بر این اساس، برای شکل‌گیری اتحاد و ائتلاف باید دو عامل یعنی تهدید مشترک و منافع مشترک وجود داشته باشد و دولت‌ها نه برای موازنه قدرت، بلکه به واسطه موازنه تهدید دست به اتحاد می‌زنند. بنابراین در این نظریه تهدید مشترک وجود دارد، برای فهم میزان و درجه تهدید

باید عوامل نظیر قدرت عمومی، نزدیکی جغرافیایی، قدرت تهاجمی و نیات رفتار تهدیدآمیز، منشأ تهدیدزا در نظر گرفته شود. رهبران اقلیم کردستان عراق به دنبال استقلال کردستان از عراق هستند. هر چند اقدامات کردها از جمله برگزاری همه‌پرسی در سپتامبر ۲۰۱۷ با شکست مواجه شده است، اما در صورت استقلال، این امر پیامدهای سیاسی و ژئوپلیتیکی عدیده‌ای در جغرافیای پر آشوب خاورمیانه بیار خواهد آورد. پیامدهایی که می‌تواند منجر به تغییر موازنه قدرت منطقه‌ای، باز ترسیم مرزهای لرزان خاورمیانه و تحولات انقلابی در سیاست‌های کردی منطقه شود. جامعه بین‌المللی و بازیگران منطقه‌ای از جمله ایران و ترکیه به عنوان بازیگرانی که همیشه طالب و مدافع حفظ تمامیت ارضی عراق بوده‌اند، بر این باور هستند که تجزیه سرزمینی عراق می‌تواند موجب ایجاد یک سری تغییرات دومینویی در خاورمیانه شود و گمان می‌کنند که استقلال اقلیم کردستان می‌تواند گام اول برای تجزیه‌طلبی در دیگر کشورهای همسایه باشد. همچنین ترس اصلی ایران و ترکیه از استقلال طلبی اقلیم تعمیق آشوب‌های منطقه و افزایش آسیب پذیری‌های خاورمیانه برای مداخله قدرت‌های خارجی است.

با اینکه ایران و ترکیه با حمایت آمریکا و اروپا در پشتیبانی از «منطقه» خودمختار در شمال عراق موافقت کرده بودند، هر دو کشور در این موضوع اتفاق نظر داشتند که به سود آنها نیست که یک کشور مستقل گردد در این منطقه ایجاد شود. پیش از سقوط صدام حسین، ایران و ترکیه در برخورد با مسأله کردها، با وجود برخی اختلاف نظرها، برای هماهنگ‌سازی سیاست‌های خود تلاش می‌کردند (Hale, 2007: 32-34). از سال ۱۹۹۳ ترک‌ها، ایرانی‌ها و نیز سوری‌ها که نمی‌خواستند یک کشور کرد در شمال عراق تشکیل شود، برای جلوگیری از چنین رخدادی، موافقت‌نامه‌هایی را امضا کردند و با وجود اختلاف نظرهای مهمی که در این میان این کشورها در مورد جنبه‌های مختلف مسائل کردها و دیگر موضوعات وجود داشت، سه کشور برای جلوگیری از پیدایش یک کشور کرد در شمال عراق در اتحاد و ائتلاف با هم دست به همکاری دادند (Lundgren, 2007: 85-86). هر سه کشور بر این باور بودند که این هدفی است که ایالات متحده و اسرائیل و اروپا در پی آن هستند (Olsen, 2005: 160-175). برخی از موافقت‌نامه‌های ترکیه و ایران برای جلوگیری از پیدایش یک کشور گردد در نشست‌های امنیتی در دوره سلیمان دمیرل و هاشمی رفسنجانی شکل گرفته بود. این موافقت‌نامه‌ها تا سال ۱۹۹۵ از چند جنبه مهم

بودند: تهدید ملی‌گرایی کُردی برای هر دو، به‌ویژه پ‌ک‌ک برای ترکیه اهمیت داشت. رهبران ترکیه هم ریشه‌های جدایی‌طلبی کردی و هم بنیادگرایی اسلامی را به عوامل و منابع خارجی نسبت می‌دادند (Aras & Polat, 2008: 496). امضای موافقت‌نامه‌ها از این حکایت می‌کرد که دو کشور آماده هستند در سیاست‌های کردی در شمال عراق هماهنگی داشته باشند. این موضوع با احساس تهدید مشترک علیه منافع هر دو کشور برآورد شده بود و در دسرهای ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی برای هر دو کشور ایجاد می‌کرد. سیاست اتحاد و ائتلاف بین ایران و ترکیه نیز در سال‌های پس از سقوط صدام و به ویژه در قبال همه‌پرسی استقلال اقلیم قابل مشاهده است.

از سال ۲۰۱۴ و با تشدید اختلافات اربیل و بغداد و همچنین ظهور داعش و کنترل مناطق مورد مناقشه، حکومت اقلیم کردستان اعلام کرد که در حال فراهم نمودن مقدمات برگزاری فراندوم استقلال این منطقه می‌باشد. بارزانی و دیگر سران اقلیم بارها مسئله برگزاری فراندوم برای استقلال اقلیم کردستان را مطرح نمودند ولی هر بار مسئله برگزاری این فراندوم با مخالفت حکومت مرکزی عراق، همسایگان این کشور به ویژه ایران و ترکیه و قدرت‌های خارجی از جمله آمریکا مواجه شد و حکومت اقلیم در مقابل این مخالفت‌ها به ناچار برگزاری فراندوم را به تعلیق انداخت (خیری و دیگران، ۱۳۹۷). هر چند عدم مخالفت صریح ایران و ترکیه با کنترل مناطق مورد مناقشه به وسیله اقلیم کردستان بعد از تهاجم داعش در سال‌های بعد از ۲۰۱۴ و گسترش روابط دو کشور با اقلیم به ویژه ترکیه در زمینه اقتصادی و خرید انرژی و ایران در زمینه حمایت‌های سیاسی و نظامی نشان دهنده تغییر موضع و کاهش حساسیت‌ها و مخالفت‌های مقامات دو کشور با مسئله استقلال احتمالی اقلیم کردستان بود، ولی با این حال ترکیه و ایران به دلیل نگرانی‌های خود مخالف پیدایش چنین دولتی در مرزهای خود بودند و بر خلاف تصور رهبران اقلیم، تحولات بعد از برگزاری همه‌پرسی نشان داد که استقلال اقلیم کردستان عراق همچنان خط قرمز ترکیه و ایران است و این کشورها با تشکیل دولت مستقل کرد در مرزهای خود سازش نخواهند نمود حتی اگر این مسئله به از هم پاشیدن همکاری‌های امنیتی و اقتصادی بین آن‌ها منجر شود. در واکنش به تصمیم اربیل برای برگزاری فراندوم استقلال در ۲۵ سپتامبر ۲۰۱۷، وزارت‌های خارجه ترکیه و ایران در یک اقدام از قبل هماهنگ شده و با انتشار بیانیه‌های تصمیم دولت اقلیم کردستان عراق برای برگزاری همه‌پرسی استقلال منطقه را اشتباهی

بزرگ خواندند و تاکید کردند که حفظ تمامیت ارضی و اتحاد سیاسی عراق یکی از ارکان اصلی سیاست این کشورها در مورد عراق است. علاوه بر این مقامات دو کشور به صورت مکرر و در سخنرانی‌های و بیانیه‌های مختلف مخالفت خود را با برگزاری فراندوم نشان دادند (Turkiye Cumhuriyeti Disisleri Bakanligi, 2017).

با وجود مخالفت‌های عراق، ایران و ترکیه و بیشتر قدرت‌های جهانی فراندوم استقلال اقلیم کردستان در ۲۵ سپتامبر ۲۰۱۷ برگزار شد و بیش از ۹۳ درصد شرکت‌کنندگان به آن رای مثبت دادند. در واکنش به برگزاری فراندوم استقلال و در اقدامی عملی و هماهنگ شده تهران و آنکارا با برگزاری مانور نظامی در مرزهای خود با اقلیم کردستان که بعداً نیروهای عراقی نیز به آن پیوستند به مبارزه و مخالفت جدی با جدای طلبی اقلیم کردستان پرداختند. دولت اقلیم کردستان در پی واکنش‌های تند دولت عراق و به ویژه ایران و ترکیه، نتایج فراندوم را به حالت تعلیق درآورد (فرحمند و سمیعی، ۱۳۹۶: ۹۰-۱۱۸). بعد از برگزاری فراندوم نیز ایران و ترکیه در هماهنگی با هم تهدید کردند که بعد از برگزاری فراندوم استقلال مرزهای زمینی خود را بر روی اقلیم کردستان خواهند بست، ولی در عمل ترکیه به چنین اقدامی متوسل نگردید و تا به امروز مراودات در دو سوی مرز در جریان می‌باشد که شاید این نتیجه همکاری‌های عمیق اقتصادی ترکیه و اقلیم کردستان است. اما در مقابل ایران تهدات خود را عملی کرد و مرزهای زمینی خود را با اقلیم کردستان بست. در اصل به دنبال فراندوم استقلال و تضعیف موقعیت قدرت اقلیم کردستان عراق که بیشتر نتیجه ائتلاف و اقدامات هماهنگ تهران و آنکارا بود، ترکیه همه پل‌های ارتباطی خود با اقلیم کردستان را خراب نکرد و تمایل دارد اقلیم کردستان یک منطقه پابرجا اما متکی به ترکیه باقی بماند.

نتیجه‌گیری

عراق از زمان موجودیت سیاسی خود به عنوان یک کشور از سال ۱۹۲۱ تا به امروز با مسئله خودمختاری کردها و حدود آن در شمال کشور درگیر بوده است. تلاش اقلیم کردستان برای استقلال از عراق، علاوه بر تأثیرگذاری بر امنیت ملی و ثبات سیاسی عراق، می‌تواند بر امنیت منطقه‌ای و داخلی کشورهای همجوار از جمله ایران و ترکیه، نیز تأثیرگذار باشد. که این امر سبب گردید، روابط ایران و ترکیه در سال‌های بعد از شکل‌گیری

اقلیم کردستان در ۱۹۹۰ و به ویژه پس از برگزاری رفراندوم استقلال اقلیم، به سمت ائتلاف‌سازی گذرا و اتحاد سوق پیدا نماید. در واقع، نگرانی از بابت تسری استقلال‌طلبی کردهای عراق به مناطق کردنشین این کشورها و نگرانی از بابت حضور قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای (آمریکا، اسرائیل، عربستان) سبب اتخاذ رویکردی مشترک به وسیله ایران و ترکیه در قبال استقلال طلبی کردستان عراق شده است. ایران و ترکیه بر این باور هستند که تجزیه سرزمینی عراق می‌تواند موجب ایجاد یک سری تغییرات دومینویی در خاورمیانه شود و گمان می‌کنند که استقلال اقلیم کردستان می‌تواند گام اول برای تجزیه‌طلبی در دیگر کشورهای همسایه باشد. همچنین ترس اصلی ایران و ترکیه از استقلال طلبی اقلیم تعمیق آشوب‌های منطقه و افزایش آسیب‌پذیری‌های خاورمیانه برای مداخله قدرت‌های خارجی است. لذا، با احساس تهدید مشترک علیه منافع هر دو کشور ایران و ترکیه در یک ائتلاف و اتحاد گذرا در قبال استقلال طلبی اقلیم کردستان واکنش نشان دادند. با نگاهی به روابط ایران و ترکیه در سال‌های اخیر، می‌توان دریافت هر چند دو کشور در پی افزایش نفوذ خود در منطقه بوده‌اند، اما مسئله کردی دو کشور را برای تامین امنیت داخلی و منطقه‌ای به سوی همکاری پیش برده است. در واقع، منافع ایران و ترکیه ایجاب می‌کند که مدیریت مسئله کردها را به گونه‌ای انجام دهند که منافع وسیع‌تر ژئوپلیتیکی، ژئواستراتژیکی و اقتصادی‌شان را تهدید نکند و هر چند دو کشور در رقابت با هم هستند ولی در قبال استقلال طلبی اقلیم کردستان همواره در اتحاد و ائتلاف با هم بوده‌اند.

منابع

- احمدیان، قدرت؛ اکبری، سمیرا و اخوان کاظمی، مسعود. (۱۳۹۷). «بهار عربی و تاثیر آن بر جایگاه حکومت اقلیم کردستان عراق در منطقه خاورمیانه»، *پژوهش‌نامه ایرانی سیاست بین‌الملل*، سال هفتم، شماره ۱، پیاپی ۱۳.
- فرحمند، صغری و سمیعی، علیرضا. (۱۳۹۷). «تبیین رویکردهای حزب عدالت و توسعه ترکیه در قبال کردها از آشتی ملی تا سیاست سرکوب (۲۰۱۵-۲۰۰۲)». (۱۳۹۷).
- فصلنامه تحقیقات سیاسی بین‌المللی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهر رضا*، شماره ۳۴، صص ۹۰-۱۱۸.

محمدیان، علی و ترابی، قاسم. (۱۳۹۴). «تاثیر تحولات پس از سقوط صدام بر وضعیت کردهای عراق»، پژوهش‌نامه ایرانی سیاست بین‌الملل، سال سوم، شماره ۲، صص ۱۱۶-۱۴۱.

- Ahmadzadeh, Hashem, and Gareth Stansfield. (2010). "The Political, Cultural, and Military Re-Awakening of the Kurdish Nationalist Movement in Iran," Middle East Journal, Vol. 64, No. 1, pp. 11-27.
- Albayrak, A., Tol. (2013). "Terrorist pkk Halts withdrawal from urky, Maintains cease ofire," Washington universitys in stitute for Middle East studies, pp.4.8
- Aras, Bulent and Rabia Karakaya Polat. (2008). From Conflict to Cooperation: Desecuritization of Turkey's Relations with Syria and Iran, Security Dialogue, No. 5, 496.
- Baykal, z. (2013). "Geziparkidirenciart" Ortudoguteknik, Irkgilikuyesi"(RCO5), universitesi.turkey, p.5.
- Bruinessen, Martin Van, (1986). "Major Kurdish Organizations in Iran," Middle East Report, Vol. 16, July /August.
- Darvishi, F., & mohammadian, A. (2014). Turkish foreign policy interests of the Islamic republic of Iran in Iraqi Kurdistan 1991-2013. *Defense policy Journal*, 22(2), 137-181. (In Persian).
- Galbraith, P. (2006). *The end of Iraq: how American incompetence created a war without an end*. New York: Simon & Schuster.
- Gunter, M. (1992). *The Kurds of Iraq: tragedy and hope*. New York: St Martin's Press.
- Hale, William. (2007), Turkey, the U.S. and Iraq ,London: Saqi Books.
- Hawrami, A. (2015). *The Kurdistan oil & gas humanitarian initiative*. Retrieved from: <http://mnr.krg.org/index.php/ku/2014-02-11-07-26-13>.
- Henri, B. (2014). *Kurdish independence: one day but certainly not now*. Retrieved from: <http://www.the-american-interest.com/2014/08/08/kurdishindependence>.
- Iranian Kurdistan. (2010). "The Hague, Netherlands: Unrepresented Nations and Peoples Organization.
- Kakai, Falaq al-Din. (1994). "the Kurdish parliament", Iraq since the Gulf war: prospects for Democracy", London and New Jersey: Zed Books.
- kayhan.o. (2014). "pasane Department of internations". Islkuniyerty, Mesratiyetkoyu, Universitesokak ,No,:2,34980 sile,Istanbul,turkeyP.p.82- 83.
- Lawrence, Q. (2008). *Invisible nation: how the Kurds' quest for statehood is shaping Iraq and the Middle East*. New York: Walker & Co.

- Lundgren, Asa. (2007). *The Unwelcome Neighbor: Turkey's Kurdish Policy*, London: I. B. Tauris.
- McDowall, D. (2004). *A modern history of the Kurds* (4nd Ed). New York: IB Tauris.
- Olson Robert. (2005). *Kurdish Problem and Iran-Turkey Relations*, translated to Persian by: Ibrahim Yonessi, Tehran: Paniz Publications[in Persian].
- Pfeifer, S. (2011). *Exxon signs Kurds exploration contracts, financial times*. Retrieved from: <http://www.ft.com/intl/cms/s/0/4e44f860-0bda-11e1-9861-00144feabdc0.html#axzz3n1trdf00>.
- Phillips, David Lawrence. (2017). *Kurdish Spring Map of the Middle East*. Translator Azad Hajiaghahi, Tehran; Publication Raman Sokhan, First Edition.
- Pollack, K. (2016). *Iraq: understanding the ISIS offensive against the Kurds*. Retrieved from: <http://www.brookings.edu/blogs/iran-at-HYPERLINK-against-iraqkurds>.
- Smith, Daniel W., and staff. (2016). "Kurdistan Budget Payment Imminent," Iraq Oil Report, February 11.
- Türkiye Cumhuriyeti Disisleri Bakanligi. (2017). "Kerkük Vilayet Meclisi'nin Kerkük'ün IKBY Referandumuna Dahil Edilmesine Yönelik Aldığı Karar Hk", Available at: <http://www.mfa.gov.tr/no> , (Accessed on: 2017/11/12).
- Yildiz, Kerim, and Tanyel B. Taysi. (2007). *The Kurds in Iran: The Past, Present and Future*, London: Pluto, in association with Kurdish Human Rights Project.